

متن پرسش

موضوع: آیا تئوری حجاب اجباری دارای مبنای عقلی است؟ اگر «آزادی مطلق» انسان را مورد بررسی قرار دهیم، بوضوح مشخص است، که آزادی برای انسان امری نسبی است و اصولاً طبیعت بر انسان امکان آزادی مطلق قائل نیست و از آن گذشته آزادی مطلق امر مطلوب انسان نیست، حال اگر تئوری اساساً دروغ «حجاب اجباری» را فرض می‌کنیم، این تئوری سودای ارمغان آوردن آزادی را دارد، بدون اینکه توضیحی محصل از آزادی ارائه کند، مثلاً «حجاب» را در ایده امری جبری فرض کرده و بعداً به ژد آن می‌پردازد، حال سوال اینجاست! آیا حجاب امری جبری است؟ توضیح اینکه در تعریف امر جبری داریم _ امر جبری امری است که در آن آدمی بنا به مصالح خود و یا مصالح محیط زندگی خود اصولاً نمی‌تواند اختیارانه عمل کند_ با این توضیح باید به یک سوال دیگر پرداخت. آیا اساساً انسان می‌تواند بدون حجاب با انواع اقسام آن به زندگی خود ادامه دهد؟ سوال دیگر، با این شیوه نگاه آیا قانون به هر نوع اش_ آیا اجباری است؟ یا انسان در برابر قانون اختیار عمل نکردن دارند؟ هر انسانی با سطح معمولی درک از محیطش اذعان می‌کند که بدون قانون زندگی اجتماعی ممکن نیست!! چراکه نظم و انضباط امری حیاتی است تا امورات اجتماعی برپایی خود را حفظ کنند لذا هرکسی می‌تواند بطلان این جمله را تصدیق کند یعنی «مبارزه با قانون!» هیچ انسان سالمی حکم بر برکنده شدن «قانون» نمی‌دهد، چراکه می‌داند، حکم برکنده شدن قانون حکم بر آشوب است و مضافاً این حکم بر برکنده شدن قانون، خود قانون گذاری است!!! یعنی هر حکمی برعدم اجرای حکمی دیگر، خود، حکم است و مجری و طالب آن نمی‌تواند بگوید «حکم نکنید» زیرا این نیز حکم است. حال در مساله حجاب نیز، _جدای از حدود الهی آن_، این سوال مطرح است، که حدود حجاب تا کجاست؟ باید از مبلغین نه به حجاب پرسید، نه به حجاب تا کدام مرز؟ اگر بگویند «نه به حجاب» هیچ حدی ندارد این یعنی حکم و اجازه به لختی کامل، و اگر بگویند «نه به حجاب» مثلاً تا روسری، بازهم، حدی مشخص کرده اند، حال به چه اعتباری می‌گویند حجاب اجباری؟ این خود نیز اجباری دیگر است. بدون تعصب مبلغان این تئوری «خود از پوچی» گفتار خود آگاهند. اما چرا بعضی از جوان و دختران ما با مساله چنین آشکار، ناآشنایند؟ چرا نمی‌توان با آنان مذاکره مفید بحال کرد؟

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: همین‌طور که می‌فرمایید بشر جدید در بستر خودبنیادی‌اش گرفتار عقل روشنگری شد، عقلی که هیچ امری را برنمی‌تابد و عملاً نوعی درگیری با خود است بیش از آن‌که

درگیری با دیگران باشد و حاصل آن دو جنگ جهانی در همان میدانی شد که بشر جدید خواست همه چیز را زیر سؤال ببرد و به نام آزادی تا نفی انتخاب‌های متعالی که نوعی انتحار است، جلو رفت و ما به نام کشف حجاب‌های این روزها با آن نوع از انتحار انسانی‌هایی روبرو هستیم که حاصل پوچی و سرگردانی و نیست‌انگاری آنان است زیرا به بهانه کشف حجاب، مقابل تاریخی ایستاده‌اند که بنا دارد انسان‌ها را از مسیر عقل روشنگری به ساحت عقل قدسی سیر دهد و این‌جا است که مطمئن باشید نه‌تنها این افراد گرفتار بلای بی‌تاریخی خود می‌شوند حتی کارشان موجب می‌گردد تا چهره فرهنگی که به بهانه کشف حجاب خانم‌ها قصد مقابله با نظام اسلامی را دارد؛ سیاه و رسوا شود. آری! این‌جا است که قوانین تأکید بر پوشش جامعه اسلامی، تأکید بر احیای انسانیت است و تعبیر رهبر معظم انقلاب که کشف حجاب یک حرام سیاسی است؛ معنای خاص خود را دارد و این غیر از کشف حجابی است که در سال‌های قبل از انقلاب به عنوان متجددشدن مطرح بود که آن نیز در جای خود نوعی گسست از فرهنگ بومی ایرانیت‌شان به حساب می‌آمد. موفق باشید